



۷۲

سوسیالیسم امروز

۵ آبان ۱۳۹۷ - ۲۷ اکتبر ۲۰۱۸

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی



باز تکثیر به
مناسبت سالگرد
انقلاب اکتبر
در باره
اعتصاب

صفحه ۳

برای آزادی بازداشت
شدگان و دفاع از
مطالبات رانندگان
کامیون متحد شویم!

اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی

کامیون داران و رانندگان که با اعتصاب ۲۲ روزه اخیر خود توانستند بخشی از مطالبات خود را به دولت تحمیل نمایند، اکنون برای گرفتن بقیه مطالبات خود و از جمله برای آزادی ۲۶۲ نفر از همکارانشان میخواهند در روز دهم آبان ماه دوباره دست به اعتراض و اعتصاب بزنند. در میان بازداشت شدگان، جمهوری اعدام اسلامی با اعلام شرم آور تهدید آمیز حکم اعدام به ۱۷ نفر از آنها، چنانچه با مقابله محکم اعتراضی روبرو نگردد، در صدد اجرای کردن وحوشترین شکل اقدام جنایتکارانه اش در برخورد به اعتصاب کنندگان بر آمده و از این مجرا میخواهد کل معترضین جامعه را مجازات و هدف قرار دهد. باید جلو این یورش و تهدید و گسترش فضای ارباب وحشیانه را گرفت. و این وظیفه فوری جامعه ی است که برای آزادی و برابری و علیه استبداد و فساد به میدان آمده است.

شرایط مشقت بار زندگی کارگران و مردم محروم جامعه از مدت ها پیش زمینه این حرکات و اعتصابات را فراهم آورده است و بدین ترتیب روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران در مراکز بزرگ تولیدی و خدمات و حمل و نقل، مبارزات سراسری معلمان، مبارزات پیگیر زنان،

صفحه ۲

جنگ جنایتکارانه اسلامیون شیعه و سنی در یمن
و تراژدی انسانی ۱۴ میلیون قحطی

صفحه ۹

در حکومت اسلامی
مسجد چرا یک رکن مهم قدرت به حساب میاید؟

صفحه ۶

خشونت و همسر آزاری تا کی؟

صفحه ۱۰

چند خبر و گزارش کارگری و توده ای
در هفته ای که گذشت

صفحه ۷

کارگران جهان متحد شوید!

برای آزادی بازداشت شده گان و ...



اعتراضات مالباختگان، ابراز وجود دوباره جنبش دانشجویی، امکان بروز این حرکتها را در سطوح مختلف فراهم نموده است. کارگران و مردم زحمتکش ایران سالهاست از زندگی کردن در اعماق فقر، از بیکاری میلیونی و نبود امنیت شغلی، از به تعویق افتادن پرداخت دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، از گرانی سرسام آور کالاهای مورد نیاز روزانه و از استبداد سیاسی و ترور و ارباب این نظام به ستوه آمده اند. برای مقابله با این شرایط و یورش گستاخانه دولت و سرمایه داران حاکم راهی بجز مبارزه متحد و انقلابی همین بخش گسترده از کارگران و مردم زحمتکش جامعه علیه وضع موجود و متکی شدن به خودشان وجود ندارد.

جمهوری اسلامی با بهترین استفاده از جنجالهای منطقه ای و به ویژه از اعمال تحریمهای ضد انسانی مجدد هیئت حاکمه امریکا برای طفره رفتن از پاسخگویی دارد سود میبرد و همزمان روشهای همیشه جنایتکارانه و آدمکشی خود را نیز در این دوره از نو حدادی میکند. رژیم اسلامی دو باره در صدد افسار پاره کردن است. با شروع دور جدیدی از ترور و تهدید و فضای رعب بخیال برنامه عقب نشینی به جامعه و معترضین و عبور دادن خود از میان انبوهی از خشم و مطالبه و اعتراض اجتماعی از جمله اعتراضات گسترده و بر حق کارگران و زنان و جوانان مترقی و آزادیخواه را علیه خود اجرا میکند. اما میتوان و باید جلوش را گرفت! باید با تشدید مبارزات و سوق دادن آن به سوی اهداف روشنتر و پیشرو تر، و گام بر داشتن به سوی اتحاد و همبستگی طبقاتی هر چه بیشتر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و زنان و جوانان و معلمان و صف مردم آزادیخواه پیش از پیش سنگ بنای پیروزیهای امروز و فردا را بر علیه جمهوری جنایتکار اسلامی پایه گذاری کنیم!، حیاطی است که طبقه کارگر در مراکز صنعتی با اعتراض و اعتصاب خود، و رهبران کارگری در مقام رهبری کننده مبارزه علیه این نظام فاسد پیش از پیش به میدان بیایند. بدون چنین اقدامات و چشم انداز و هدفی پیروزی بر این رژیم و تحمیل مطالباتمان بسیار دشوارتر خواهد بود.

حزب ما مجدداً و با تمام قدرت از اقدام اعتراضی کامیونداران و رانندگان در روز دهم آبان حمایت مینماید و برای پیروزی آن تلاش میکند. موج چهارم اعتصابات سراسری برای آزادی دستگیر شدگان در روز دهم آبان با شعار "ما همه باهم هستیم"، یکی برای همه، همه برای یکی" و با خواست آزادی فوری کلیه بازداشت شدگان نیازمند حمایت فوری کلیه کارگران و آزادیخواهان ایران است. زندانیان سیاسی از جمله بازداشت شدگان اخیر در جریان اعتصابات کامیونداران و معلمان فوری باید آزاد گردند!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۵ آبان ۱۳۹۷

۲۷ اکتبر ۲۰۱۸

خشونت و همسر آزاری تا کی؟

مینا تهرانی

فقط هر از گاهی از روی کنجکاو و برررسی آسیب های اجتماعی و خانوادگی تمنا دارم از زن و مرد و دختر و پسر قبل از آنکه پیوندی را با هم ببندند سری به دادگاههای خانواده و راهروهای دادگستری بزنم!! تا ببینم این نظام و فرهنگ حاکم چه بلای بر سر زندگی مشترک انسانها آورده است. در زمینه اعمال خشونت "خانوادگی"، با وجود نقش مخرب حاکمیت اسلامی در ایران می بایست حداقل با متحول شدن عصر اینترنت و ایجاد ارتباطات جهانی و کسب علم و دانش و اصلاحات صحیح شاهد تنزل و رفع خشونت های فیزیکی باشیم.

اما متأسفانه در ایران نه تنها آمار خشونت و ابعاد آن تنزل نکرده بلکه سیر صعودی نیز داشته، این گویای دامنه و عمق تخریب سیاست و فرهنگ و قوانین اعمال شده، به ویژه علیه زنان، از جانب حاکمیت طی چهار دهه است. در سایه حکومت فاسد جمهوری اسلامی ظلم و جور و ستم اثری از مدنیت و اجرای نیم بند ادعاهای همین جمهوری ننگین نمی بینیم. مردان و زنان (بیشتر) طبق آمارشش ماهه اخیر که مدیر کل پزشکی قانونی کهگیلویه و بویر احمد اعلام داشته همسر آزاری در حوزه مردان ۲۵ مورد و در مورد همسر آزاری زنان از ۳۶۱ به ۴۰۴ مورد تشکیل پرونده داشته است. و در همین رابطه و در همین اداره از رشد ۸۰۳ درصد افزایش همسر آزاری در استان کهگیلویه و بویر احمد تشکیل پرونده داده شده است.

از اینگونه اخبار در کشور زیاد میشنومیم و می بینیم ولی کو گوش شنوا و قانونی که از اینگونه زنان و مردان حمایت کند. زنان به جرم زن بودنشان در سایه حکومت زن ستیز از یکسو و از طرف فرهنگ مرد سالارانه حاکم در ایران (پدر، برادر، همسر و پسر) از سوی دیگر، همیشه مورد بیشترین آزارهای روحی و جسمی و جنسی و سستی قرار میگیرند. (البته نه الزاماً تمام خانواده های ایرانی اما متأسفانه اکثر آنها چنین است). برای مقابله با این شرایط و در دوره ای که امروز با پیشرفت جوامع در عرصه های گوناگون و تکنولوژی و عصر ارتباطات روبرو هستیم زمینه مساعد بیشتری فراهم شده است در جهت روند مبارزات حق طلبانه و برابری طلبانه زنان چه در ایران و چه سایر کشورهای اسلامی و مردسالارانه به ویژه علیه خشونت و تبعیضاتی که علیه زن در جامعه و خانواده اعمال میشود شاهد هستیم. به نظر من زن و مرد هر دو به عنوان فرد میتوانند از کار برابر در مقابل دستمزد برابر در سازندگی و پیشرفت جامعه و خانواده متمرکز باشند امروزه در بعضی موارد تکنیک و تکنولوژی یکمک انسان آمده و جایگزین قدرت بدنی و زور بازوی مرد شده بجز در موارد استثنایی! . زن را نباید وسیله ای برای ارضا غرائز شهوانی و در مطبخ و ماشین بچه آوری تصور کرد. زن متخصص و تحصیل کرده امروز دیگر مثل سابق جنس دوم محسوب نمیشود و تحمل چنین فرهنگ و قوانین ارتجاعی نباید بکند. تداوم اعمال خشونت و آزار همسر در هر حالی ریشه در مناسبات حاکم نابرابر، وجود فقر و نابرابری اقتصادی و نبود آزادی در انتخاب همسر و جدای از همدیگر دارد، فرهنگ و سنی که با سرنوشتی کامل نظام حاکم اسلامی میتوانند به نتیجه برسد.

برای پایان دادن به نابرابریها و به سوال هر روزه مینی بر "خشونت و همسر آزاری تا کی؟" راهی جز عبور از حکومت ضد زن جمهوری اسلامی و کلیه سنن اسلامی، مرد سالارانه و ملیگرایانه که هر هر سه حاوی سنن و فرهنگ نر سالارانه و ضد زن هستند پیش روی خود نداریم. برقرار و افراشته باد پرچم حزب سوسیالیست انقلابی ایران زنده باد آزادی و برابری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

درباره اعتصاب

لنین



مناسبتی بکنند و یا به کم کردن دستمزدها رضایت ندهد، کارفرما به او خواهد گفت: بیرون! و اضافه خواهد کرد که دم دروازه تعداد زیادی مردم گرسنه وجود دارند که با خوشحالی حاضرند با دستمزد کم کار کنند.

وقتی مردم تا حدی بیچاره شده باشند که همیشه تعداد زیادی بیکار در شهرها و دهات وجود داشته باشد و جایی که صاحبان کارخانه‌ها ثروت‌های کلان روی هم انبار میکنند و خرده مالکین توسط میلیونرها از میدان بدر میشوند، آنوقت برای سرمایه‌دار ممکن میشود که کارگر را بکلی خرد کند، از او و زن و فرزندانش هم همچنین، تا حد مرگ کار بردهوار بکشد. مثلا اگر نگاهی به مشاغل که در آنها کارگران موفق به جلب حمایت قانون از خودشان نشده‌اند و نمیتوانند در مقابل سرمایه‌داران مقاومت نشان دهند بیفکنیم، مدت کار روزانه خارج از حد و حساب طولانی را، که گاهی سر از ۱۹-۱۷ ساعت میزند، ملاحظه خواهیم کرد. کودکان ۵ یا ۶ ساله را خواهیم دید که فشار کارشان بیشتر از حد طاقتشان است. یک نسل از کارگران دائما گرسنه را خواهیم دید که بتدریج از گرسنگی میمیرند. مثلا کارگرانی که در خانه خودشان برای سرمایه‌داران کار میکنند. بعلاوه هر کارگری میتواند تعداد زیادی از این مثالها بخاطر بیاورد! حتی در رژیمهای برده‌داری و فئودالی هم هیچگاه ستم کشیدگی زحمتکشان به دهشتناکی ستم کشیدگی کارگران در رژیمهای سرمایه‌داری، وقتی که آنها نتوانند مقاومت نشان دهند و یا از حمایت قوانینی که اعمال دلبخواهی کارفرمایان را محدود کند برخوردار شوند، نبوده است.

بنابراین کارگران برای اینکه از بی‌مقدار شدن خودشان تا چنین حدودی جلوگیری کنند یک مبارزه مایوسانه را شروع میکنند. از آنجا که میبینند که هر کدامشان به تنهایی در مقابل سرمایه‌داری بی قدرت است و ستم سرمایه تهدید به نابود کردنشان میکند، شروع به طغیان دسته جمعی در مقابل کارفرمایان میکنند. اعتصابات کارگری شروع میشوند. در ابتدا کارگران غالبا نمیدانند که چه میخواهند، چون به اهداف اعمال خودشان آگاهی ندارند. تنها ماشینها را خرد میکنند و یا کارخانه‌ها را خراب میکنند. فقط میخواهند خشم خود را به صاحب کارخانه‌ها نشان بدهند؛ نیروی دسته جمعی خود را امتحان میکنند تا بتوانند از یک وضعیت غیر قابل تحمل خارج بشوند؛ بدون اینکه بفهمند چرا موقعیتشان اینقدر نومیدانه است و برای چه باید تلاش کنند. در تمام کشورها خشم کارگران در اول شکل طغیانهای منفرد بخود گرفت. پلیس و کارخانه‌داران روسیه به آنها "شورش" میگویند. در تمام کشورها این طغیانهای منفرد از یک طرف به اعتصابات کم و بیش صلح آمیز و از طرف دیگر به مبارزه همه جانبه طبقه کارگر برای آزادی خودشان منجر شده.

در مرتبه اول باید توضیحی برای وقوع و انتشار اعتصابات پیدا کنیم. هر کس که اعتصابهایی را، چه از تجربیات شخصی خود و چه از گزارشات دیگران، و یا روزنامه‌ها، بخاطر بیاورد فوراً متوجه میشود که هر جا که کارخانه بزرگ برپا شده و بر شماره شان افزوده میشود اعتصاب اتفاق میافتد و بسط مییابد. بندرت ممکن است که حتی یک کارخانه بزرگ از میان کارخانه‌هایی که صدها (و در برخی موارد هزارها) کارگر دارند پیدا کرد که در آن اعتصاب اتفاق نیفتاده باشد. زمانی که تعداد کارخانه‌های بزرگ در روسیه معدود بودند تعداد اعتصابات هم کم بود. ولی از زمانی که کارخانه‌های بزرگ چه در محلات صنعتی قدیم و چه در شهرها و دهات جدید شروع به زیاد شدن کردند، تعداد اعتصابات هم زیادتر شده است.

به چه دلیلی تولید کارخانه‌های عمده همیشه منجر به اعتصاب میشود؟ به این دلیل که سرمایه‌داری ناچار باید به مبارزه کارگران بر علیه کارفرمایان منجر شود و وقتی تولید به صورت عمده است این مبارزه ناچار صورت اعتصاب بخود میگیرد. این را توضیح میدهم.

سرمایه‌داری نام آن نظامی است که در آن زمین، کارخانه‌ها، وسائل و غیره... متعلق به تعداد کمی از ملاکین و سرمایه‌داران است، در حالی که توده مردم یا اصلاً از هستی ساقط هستند یا مایملک بسیار کمی دارند و مجورند خود را به صورت کارگر کرایه بدهند.

صاحبان زمینها و کارخانه‌ها کارگران را کرایه میکنند و آنها را به ساختن اجناس مختلف، از چه نوع فرقی نمیکند، وامیدارند؛ اجناسی که بعداً در بازار به فروش میرسانند. به علاوه مزدی که صاحبان کارخانه‌ها به کارگران میدهند آنقدری است که فقط برای ادامه یک زندگی بخور و نمیر برای خودشان و خانواده‌شان کفایت میکند در صورتی که آنچه کارگران مازاد بر این مقدار تولید میکنند، به صورت سود، به جیب کارخانه‌دار سرازیر میشود. بنابراین، تحت نظام سرمایه‌داری، توده مردم کارگران مزدور دیگران هستند، آنها برای خودشان کار نمیکند بلکه بخاطر دستمزد، برای کارفرمایان کار میکنند. قریب به عقل است که کارفرمایان همیشه کوشش در کم کردن دستمزد دارند؛ هر چه به کارگران کمتر بدهند سود خودشان بیشتر است. کارگران سعی میکنند که بیشترین دستمزد ممکن را بدست بیاورند تا بتوانند برای خانواده‌شان غذای کافی و سالم تهیه کنند، در خانه‌های خوب زندگی کنند، و مانند بقیه مردم لباس بپوشند نه بسان گدایان. بنابراین دائماً دعوائی بین کارگران و کارفرمایان بر سر دستمزد جریان دارد. کارفرما آزاد است و کارگری را که بنظرش مناسبتر بیاید اجیر میکند و بنا بر این دنبال ارزانترین کارگر میرود. کارگر هم در انتخاب کارفرمای خودش آزاد است و بنابراین دنبال گرانترین کس میگردد. یعنی آنکه بیشترین مزد را بپردازد. یک کارگر، چه در شهر کار کند، چه خود را به مالک کرایه دهد و چه به یک دهقان ثروتمند، و یا یک مقاطعه کار و یا یک صاحب کارخانه، او همیشه با یک کارفرما طرف است و با او بر سر دستمزد دعوا دارد. ولی آیا برای یک کارگر تنها امکان دارد به تنهایی مبارزه کند؟ تعداد افراد کارگر رو به ازدیاد است. دهقانان در حال خانه خرابی هستند و از ده به سوی شهر و کارخانه‌ها فرار میکنند. ملاکین و صاحبان کارخانه‌ها در حال بکار انداختن ماشین آلاتی هستند که کارگران را از شغلایشان محروم میسازد. در شهرها تعداد روزافزونی بیکار و در دهات بیش از پیش گدا پیدا میشود. برای کارگر دیگر دارد غیر ممکن میشود که به تنهایی با کارفرما مبارزه کند. اگر کارگر تقاضای دستمزد

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

در باره اعتصاب...

اهمیت اعتصابات (یا وقفه در کار) برای مبارزه طبقه کارگر چیست؟

برای اینکه به این جواب بدهیم باید اول تصویر کاملتری از اعتصاب داشته باشیم. مزد کارگران همانطور که دیدیم، توسط قراردادی بین کارگر و کارفرما تعیین میشود و اگر تحت شرایطی کارگر منفرد کاملاً بی قدرت باشد، واضح است که کارگران باید برای خواستهایشان بطور دسته جمعی مبارزه کنند و برای جلوگیری از این که کارفرما مزدها را پایین بیاورد و یا برای بدست آوردن مزد بیشتر مجبورند اعتصابهایی سازمان دهند. این واقعیت است که در هر کشور سرمایه‌داری اعتصابات کاری وجود دارند. همه جا، در تمام کشورهای اروپایی و آمریکایی، کارگران وقتی متحد نیستند خود را زبون احساس میکنند و فقط به صورت دسته جمعی میتوانند در مقابل کارفرما مقاومت نشان دهند. یا با اعتصاب کردن و یا با تهدید به اعتصاب، با تکامل سرمایه‌داری و باز شدن کارخانه‌های بزرگ، و خلع ید افزون شونده خرده سرمایه‌داران توسط سرمایه‌داران بزرگ، احتیاج به مقاومت دسته جمعی کارگران بیشتر و بیشتر میشود، چرا که بیکاری زیاد میشود، رقابت سرمایه‌داران که سعی میکنند اجناس خود را با نازلترین قیمت تولید کنند، بیشتر میشود (که به این منظور میباید به کارگران هر چه کمتر دستمزد بدهند) و نوسانات صنعتی محسوس‌تر و بحرانی‌تر میشوند. وقتی که صنعت شکوفان است، کارخانه‌داران سودهای کلانی میبرند ولی اصلاً به فکر شریک کردن کارگران در سود نمیافتنند. ولی با پیش آمدن بحران سعی میکنند که ضررها را به گردن کارگران بینانند. در جوامع اروپایی لزوم اعتصابات در جامعه سرمایه‌داری تا حدی توسط هر کسی شناخته شده که قوانین این کشورها تشکیل اعتصابات را منع نمیکنند. فقط در روسیه است که قوانین وحشیانه بر ضد اعتصابات هنوز اعمال میشوند.

در هر صورت اعتصابات که ناشی از خود طبیعت جامعه سرمایه‌داری‌اند از آغاز مبارزه طبقه کارگر بر ضد این نظام جامعه خبر میدهند. روبرو بودن سرمایه‌داران با کارگران منفرد و بی چیز یعنی بردگی مطلق کارگران. ولی وقتی کارگران بی چیز با هم متحد شوند اوضاع تغییر میکند. هیچ ثروتی در دنیا به درد سرمایه‌دار نمیخورد مگر او بتواند کارگرانی را پیدا کند که حاضر باشند نیروی کار خود را بر روی وسائل و موادی که متعلق به سرمایه‌دار است صرف کنند و ثروت تازه‌ای تولید کنند. تا وقتی که کارگران ناچارند بطور انفرادی با سرمایه‌داران معامله کنند، بسان بردگان واقعی باقی خواهند ماند که مجبورند برای بدست آوردن یک قرص نان مداوم به دیگران منفعت برسانند، که باید تا ابد خدمتکاران کرایه شده زبان بسته‌ای باقی بمانند. ولی وقتی کارگران تقاضاهای خود را بصورت دسته جمعی بیان کنند و حاضر به تسلیم شدن در برابر خرپولها نشوند، بردگی آنها بسر میآید، تبدیل به انسان میشوند، شروع میکنند به درخواست این که زحمت آنها نباید فقط در خدمت ثروتمند کردن چند تن پرور باشد، بلکه باید آنهایی را که زحمت میکشند هم قادر سازد که مثل انسانهای واقعی زندگی کنند. کارگران شروع به پیش کشیدن تقاضای آقا شدن میکنند. تقاضای این که زندگی آنها باید نه آنطور که سرمایه‌داران و ملاکین برای آنها در نظر گرفته‌اند بلکه آنطور که خودشان میخواهند باشد. بنابراین اعتصاب همیشه سرمایه‌داران را مملو از ترس میکند. چونکه اعتصاب شروع از بین رفتن سروری آنهاست. یک سرود کارگری آلمانی در مورد طبقه کارگر چنین میگوید: "تمام چرخها از گردش باز میایستند، اگر بازوان نیرومند شما آن را اراده کند." و واقعیت هم همینطور است؛ کارخانه‌ها، زمینهای

ملاکین، ماشینها، خطوط راه آهن و غیره همه مانند چرخهایی در یک ماشین عظیم هستند - ماشینی که مواد مختلفی را استخراج میکند، عمل می‌آورد، و تحویل مقاصدشان میدهد. تمام این ماشینها توسط کارگر کار میکنند. کارگری که زمین را شخم میزند، سنگهای معدن را استخراج میکند، کالا تولید میکند، خانه و کارگاه و راه آهن میسازد.

وقتی کارگران از کار کردن امتناع میکنند خطر باز ایستادن تمام ماشین می‌رود. هر اعتصابی بیاد سرمایه‌دار میاندازد که کارگران و نه آنها آقایان واقعی هستند - کارگران که دارند حقوق خود را با صدای هر چه بلندتر اعلام میدارند و مطالبه میکنند. هر اعتصاب به کارگران یادآوری میکند که موقعیتشان نامیدانه نیست و آنان تنها نیستند. ببینید اعتصابات هم بر خود اعتصاب کنندگان و هم بر روی کارگران کارخانه‌های مجاور در حول و حوش و یا کارخانه‌های همان رشته صنعتی چه تأثیر شگرفی دارد. در اوقات معمولی و صلح آمیز کارگر بدون غر و لند کارش را میکند، با کارفرما جر و بحث نمیکند، در مورد شرایط خودش هم بحثی ندارد. در موقع اعتصاب او خواستهای خود را با صدای بلند اعلام میکند، تمام سوء استفاده‌ها را به کارفرما خاطر نشان میسازد، مدعی حقوق خودش میشود، او دیگر فکر فکر خود و مزد خودش نیست بلکه در فکر تمام همکارانش است که همراه او با او ابزار را زمین گذاشته‌اند و بدون ترس از هیچ محرومیتی، برای خاطر آرمان کارگران بپا خاسته‌اند. هر اعتصاب مترادف با محرومیت‌های زیادی برای توده زحمتکش است، محرومیت‌های وحشتناکی که فقط با بدبختی‌های دوران جنگ قابل مقایسه هستند - خانواده‌های گرسنه از دست دادن دستمزد، غالباً توقیف و اخراج از شهری که خانه و محل کارشان است. علیرغم تمام این رنجها، کارگران به آنهایی که همکاران خود را ترک میکنند تا با کارفرمایان قرارداد ببندند با دیده حقارت مینگرند. علیرغم تمام این رنجهایی که با اعتصاب همراه است، کارگران کارخانه‌های مجاور از مشاهده این که رفقایانشان در مبارزه درگیر شده‌اند شهادت تازه‌ای پیدا میکنند. "مردانی که برای خم کردن پشت یک بورژوا اینقدر تاب می‌آورند قادر خواهند بود که قدرت تمام بورژوازی را در هم بشکنند." این گفته یکی از آموزگاران بزرگ سوسیالیسم، انگلس، در مورد اعتصابات کارگران انگلیس است.

غالباً کافی است که یک کارخانه اعتصاب کند تا اینکه اعتصاب فوراً در تعداد زیادی کارخانه شروع شود. چقدر اعتصابات بر روحیه کارگران تأثیر میگذارد و چطور آن کارگرانی را که میبینند رفقایانشان چگونه دیگر برده نیستند و فعلاً اگر برای مدتی هم که شده با ثروتمندان برابر شده‌اند، متأثر میسازد! هر اعتصابی اندیشه سوسیالیسم را بشدت به فکر کارگران میاندازد. اندیشه مبارزه تمام طبقه کارگر برای آزادی از ستم سرمایه. غالباً اتفاق افتاده است که کارگران یک کارخانه و یا یک بخش از صنعت و یا یک شهر قبل از وقوع یک اعتصاب بزرگ تقریباً هیچ چیزی راجع به سوسیالیسم نمیدانستند و حتی به ندرت راجع به آن فکر کرده بودند، ولی بعد از اعتصاب گروهها و دسته‌های مطالعه خیلی در میان آنها مرسوم شده و تعداد بیشتر و بیشتری از کارگران به سوسیالیسم گرویده‌اند. اعتصاب به کارگران می‌آموزد که بفهمند که قدرت کارفرمایان و قدرت کارگران در چه نهفته است. به آنها می‌آموزد که فقط راجع به کارفرمایان خودشان و یا کارگران همکار خودشان فکر نکنند بلکه تمام کارفرمایان، تمام طبقه سرمایه‌دار و تمام طبقه کارگر را در نظر بگیرند. وقتی که یک کارخانه‌دار که از ثمره زحمت چندین نسل از کارگران میلیونها انباشت کرده است از اضافه کردن یک مبلغ جزئی به دستمزدها امتناع میکند و یا حتی کوشش میکند که مزدها را به سطح باز هم کمتری تنزل دهد و اگر کارگران مقاومت نشان دهند هزاران خانواده گرسنه را بیرون میریزد،

ادامه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

در باره اعتصاب...

و سرمایه جنگ کند.

لیکن "مکتب جنگ" خود جنگ نیست. وقتی که اعتصاب در میان کارگران شایع است، برخی از کارگران (از جمله برخی از سوسیالیستها) گمان میبرند که طبقه کارگر میتواند خود را فقط به اعتصابه‌ها، صندوق اعتصاب، و یا مجامع اعتصاب محدود کند. که فقط با اعتصاب تنها طبقه کارگر میتواند بهبود قابل توجهی در شرایط زندگی حاصل و حتی آزادی را کسب کند. وقتی که کارگران میبینند که چه قدرتی در اعتصاب طبقه کارگر متحد و حتی اعتصابهایی کوچک وجود دارد بعضی ها فکر میکنند که کافی است که طبقه کارگر یک اعتصاب عمومی در سراسر کشور تشکیل دهد تا اینکه کارگران هر چه را که میخواهند از سرمایه‌داران و دولت بگیرند. این عقیده در کشورهای دیگر هم در دورانی که جنبش طبقه کارگر در مراحل اولیه آن بود و کارگران هنوز خیلی بی تجربه بودند ابراز شده بود. این عقیده اشتباه محض است. اعتصابهایی که راههایی هستند که کارگران از آن در مبارزه برای آزادی خودشان استفاده میکنند. ولی تنها راه آن نیست و اگر کارگران نظر خود را به راههای دیگر مبارزه نیز معطوف نکنند، رشد و موفقیت‌های طبقه کارگر را کند خواهند کرد.

ادامه صفحه ۱۰ ←

بر کارگران روشن میشود که طبقه سرمایه‌دار در کل دشمن طبقه کارگر است و کارگران تنها میتوانند روی خودشان و عمل متحدشان حساب کنند.

غالباً اتفاق میافتد که کارخانه‌داران حداکثر سعی خود را میکنند که خود را خیرخواه نشان دهند و کارگران را فریب دهند و بهره‌کشی خود را با وعده‌های دروغین و خرده رشوه دادن پنهان کنند. اعتصاب همواره با نشان دادن این که "خیرخواه" آنها گرگی در لباس میش است این فریب را با یک ضربت نابود میکند.

بعلاوه، اعتصاب چشم کارگران را نه فقط به ماهیت سرمایه‌داران بلکه به ماهیت دولت و قوانین نیز باز میکند. همانطور که کارخانه‌داران سعی میکنند که خود را خیرخواه نشان دهند، مأمورین دولت و نوکران آنها هم سعی میکنند که به کارگران اطمینان دهند که تزار و دولت تزاری، همانطوری که عدالت اقتضا میکند، همانقدر که در فکر کارفرمایان هستند که کارگران، کارگر درباره قوانین چیزی نمیداند، با مأمورین دولت هم تماس ندارد، بخصوص با آنهایی که پستهای بالادستی دارند، در نتیجه اغلب همه آنها را باور میکنند. بعد اعتصاب پیش میاید. دادستان کل، بازرس کارخانه، پلیس و غالباً نیروهای ارتش در جلوی کارخانه ظاهر میشوند. کارگران درمییابند که قانون را شکسته‌اند؛ کارفرمایان قانونا مجازند که گرد هم جمع شوند و علناً در مورد راههای پایین آوردن دستمزدهای کارگران بحث کنند. ولی کارگران اگر به یک موافقت مشترک برسند مجرم محسوب میشوند! کارگران از خانه‌هایشان بیرون انداخته میشوند، پلیس دکانهایی را که کارگران میتوانند از آنها جنس نسبی بخرند میندند حتی وقتی رفتار کارگران کاملاً صلح آمیز است کوشش به عمل آورده میشود که سربازان را ضد کارگران تحریک کند. حتی به سربازان دستور داده میشود که به کارگران شلیک کنند و همان وقتی که آنها با تیراندازی از پشت به کارگران در حال فرار، کارگران بدون اسلحه را میکشند، خود تزار مراتب قدردانی خود را به نیروهای انتظامی میفرستد (به همین ترتیب تزار از نیروهای نظامی که کارگران در حال اعتصاب در یاروسلاو در سال ۱۸۹۵ کشته بودند تشکر کرد). کم کم بر هر کارگری روشن میشود که دولت تزاری بدترین دشمن آنهاست. چرا که از سرمایه‌داران دفاع میکند و دست و پای کارگران را میندند. کارگران شروع میکنند به فهمیدن این که قوانین فقط برای منافع سرمایه‌داران ساخته شده‌اند، که مأمورین دولت از این منافع حفاظت میکنند، که دهان توده کارگر را بسته و به او اجازه نمیدهند که احتیاجات خود را اعلام کند، که طبقه کارگر باید برای خودش حق اعتصاب کردن، حق چاپ روزنامه کارگری، حق شرکت در مجمع ملی را که قوانین را تصویب میکند و بر اجرای آنها نظارت میکند، بدست بیاورد. دولت تخودش بخوبی میداند که اعتصاب چشم کارگران را باز میکند و به همین دلیل این چنین از اعتصاب میترسند و برای اینکه اعتصاب هر چه زودتر دفاع شود متوسل به هر کاری میشوند. بی دلیل نبود که یکی از وزرای داخله آلمان که بدنامیش در پیگرد مستمر سوسیالیستها و کارگران آگاه شهرت یافته بود در مقابل نمایندگان دولت اظهار داشت "در پشت هر اعتصاب ازدهای انقلاب خوابیده است". هر اعتصابی این مطلب را که دولت دشمن آنهاست و طبقه کارگر باید خود را برای مبارزه علیه دولت و برای حقوق مردم آماده کند در کارگران تقویت میکند و تکامل میدهد. بنابراین اعتصابه‌ها به کارگران میآموزد که با هم متحد شوند، به آنها نشان میدهد که آنها فقط وقتی متحد باشند میتوانند بر علیه سرمایه‌داران مبارزه کنند. اعتصاب به کارگران میآموزد که بر علیه تمام کارخانه‌داران و بر علیه حکومت پلیسی استبدادی فکر کنند. به این دلیل است که سوسیالیستها ها اعتصاب را "مکتب جنگ" مینامند. مکتبی که در آن کارگران یاد میگیرند که با دشمنانشان برای آزادی تمام مردم، تمام آنهایی که زحمت میکشند، از زیر یوغ مأمورین دولت

درخواست عضویت از حزب		
فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران		
نام :		
نام خانوادگی :		
محل سکونت :		
شغل :		
علل پیوستن به حزب :		
سابقه فعالیت سیاسی :		
در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟		
آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟		
تلفن :		
ای میل :		
اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.		
امضا... تاریخ...		
www.simroz.org	آدرس مایل ارسال درخواست عضویت	iransocialist2017@gmail.com

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

در حکومت اسلامی مسجد چرا یک رکن مهم قدرت به حساب میاید

ابراهیم باتمانی



در ایران فتوای اعدام را در مسجد نداده و یا دزدی نکرده باشد و یا ضد زن و زن آزار و متجاوز به دختران خرد

سال نبوده باشد. باید از این ملاحا و امام جمعه های مکاره بپرسید چرا بچه های خودتان در خارج مشغول عیاشی و خوشگذرانی هستند؟ چرا بهترین خانه و ماشین، زمین، پول کلان و امکانات پزشکی مجانی به امام جمعه ها و خانواده هایشان تعلق دارد؟ آیا تا کنون آخوندها یا آقازاده هایشان را در صف خرید نان و در کارتون خواب و کار خیابانی دیده اید؟ پس چرا شما باید وقت خودتان را تلف کرده و گوش به حرفهای چرت و پرت این ادمهای فساد و انگل بدهید.

اگر درمیان تمام سران حکومت جمهوری اسلامی و امام جمعه های این نظام با مین یاب هم بگردید یک ادم درست حسابی و سالم پیدا نمیکنید. بر عکس همه فاسد و مفتخور و مکاره هستند. آیا شما اخوندی پیدا میکنید در دزدیهای کلان و ادم کشتن و شکنجه کردن جوانان و مخالفین ان جامعه دست نداشته باشند؟ همین اخوندهای منبری و مومن خدا پرست عامل فقر، گرانی، بیکاری، اعتیاد خودکشی، آوارگی، جنگ، بی سواد، دست بریدن، اسید پاشیدن، ترور، تجاوز شرعی به دختران خرد سال و هزاران جنایت دیگر در پرونده خود دارند. سوال این است، شما چرا باید بروید مسجد و نماز بخوانید. رفتن شما به مسجد چه بخواهی یا چه نخواهید آب به آسیاب جمهوری اسلامی میریزید. با اینکار جنایتهای که در طول این ۳۹ سال به مردم با دروغ و زور و زندان تحمیل شده است تایید میکنید. این رژیم ضد بشری در ادم کشتن و دزدی و پاپوش دوزی مهارت خاص دارد. در مسجد این لانه فساد هیچ وقت از شادی، علم، انسان دوستی، برابری زن و مرد، مهربانی با کودک و حقیقت گویی خبری نیست. بر عکس، خندیدن، شاد بودن، و رقص و موسیقی حرام و شیطانی میباشد. شکنجه کردن، دست بریدن و اسید پاشیدن روی صورت زنان حلال و شرعی است. اعدام کردن در ملاعام و جلوی چشم مردم حلال و درس عبرت است. رعایت نکردن حجاب از طرف خانمها غیر شرعی و مفسد فی الرض و باعث خوشکسالی میشود، رقص و شادی زن و مرد و در کنار هم نشستن در اتوبوس در اداره جات، در مدرسه و اماکن عمومی حرام و اسلام مجدی به خطر می افتد، مخالفین سیاسی سر کوب و اعدام و زندانی می شوند. چون اینها عوامل امپریالیسم و ضد انقلاب هستند و باید مورد غضب

مسجد برای به قدرت گیری خمینی جلال و شعارهای فریبنده "مرگ بر امریکا" و اسرائیل" نیرو جمع کردن و سپس به سراغ مرگ گفتن به کمونیستها و سرکوب کارگران نفت و قدم به قدم به سرکوب زنان و کل انقلاب آزادیخواهانه پرداختند. بهره گرفتن از مسجد برای جمهوری اسلامی بهترین شیوه و تاکتیک بود. مسجد این لانه فساد، مکانی بود که برای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی نقش جدی و بسزایی را ایفا کرد. بعد از سرنگونی شاه مسجد بهترین ابزار سرکوب و به مکانی برای تولید خرافه گری و به انقیاد کشیدن انسان تبدیل شد. بی دلیل نیست جمهوری اسلامی در طول این سی و نه سال هزاران هزار مسجد را در شهرهای بزرگ، شهرستانها و دهات ساخته است. از لحاظ مالی هم میلیاردها میلیارد تومان هزینه کرده است. برای صادر کردن خرافات، دروغ، جهالت، نادانی و طرح نقشه های شوم بر علیه زنان. برای هر یک از مساجد یک تشکیلات عریض و طویل با هزینه بالا و سر سام اور و بدون حساب و کتاب هزینه میشود. برای هر یک از این لانه های فساد یک اخوند دزد، ادم کش و فاسد مفت خور به اسم امام جمعه و با قدرت و اختیارات تمام و با حقوق بسیار بالایی که از طرف معاون خدا و رهبر ادم کشان و دزدان جهان، جناب خامنه ای، گمارده شده اند.

سوال اساسی و مهم که پیش روی جامعه ایران به خصوص زنان و جوانان و آزادیخواهان و انسانهای شرافتمند قرار دارد این است که با وجود سابقه چهل ساله جنایت و دزدی و فساد جمهوری اسلامی که برابر قانون و شریعت اسلامی اجرا میشود، نقش ارتجاعی و مخرب مسجد، چرا بخشی از مردم هنوز به مسجد میروند؟ آیا مردم هنوز به این رژیم و آخون و امام جمعه های مفت خور و دروغگو توهم دارند؟ آیا مردم فکر میکنند رفتن به مسجد گره ای از بار این همه مشکلاتشان که جمهوری اسلامی و خود مسجد به آنها تحمیل کرده است میکاهد؟ بعضی ها فکر میکنند رفتن به مسجد ثواب دارد. من از شما میپرسم معنای ثواب یعنی چه؟ فرضمان این باشد شما میخواهید بروید بهشت، بهشت کجاست؟ در کدام قاره است؟ آیا در طول این هزار و چهارصد سال حاکمیت نکبت اسلام کسی از بهشت برگشته است؟ آیا مدرک، عکس و شواهدی در دست دارید که نشان بدهید؟ آیا این بهشت ادرس دارد یا نه؟ اگر دارد کجاست؟ اگر ندارد، چرا بدون دلیل خودتان را خسته و بی هدف دور خودتان میچرخید و به خرافات گوش می دهید؟

سوال دوم، آیا هرگز از خود پرسیده اید این امام جمعه اوباش که معلم و نماینده خداست و مامور پیش نمازی شما است، چه نوع انسانی است و چه عمل کردی دارد؟ کدام امام جمعه

قیام سال ۱۳۵۷ بر علیه نظام دیکتاتوری و فاسد سلطنتی شروع شد. در عرض چند ماه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و معترض توانستند با تظاهرات میلیونی و با نقش پر جسته چیها و کمونیستها آن زمان و کارگران صنعتی شرکت نفت، معلمان، زنان و دانشجویان... رژیم سلطنتی دیکتاتوری فاسد را به زیر بکشند. اما در آن شرایط انقلابی و سرنوشت ساز متأسفانه به دلیل عدم وجود یک حزب کمونیستی با نقشه و برنامه و منکی به صف مستقل کارگری و آزادیخواهانه که خواهان قدرت باشد وجود نداشت. آن دوران سازمان چریکهای فدای خلق ایران که بزرگترین قدرت چپ در ایران بودند برای قدرت گرفتن در ایران برنامه و نقشه ای نداشت و همچنانکه از اسمش هم پیداست دنبال "حلقها" بود و بعدا اکثریت آن نیز به جریان خمینی پیوست. حزب توده ایران نیز آن دوران با سیاستهای خمینی و جریانهای اسلامی همراه شد و همکاری میکرد. در آن شرایط انقلابی خمینی مدیا های غرب مثل امریکا، رادیو بی بی سی و دولت فرانسه خمینی را به اسم رهبر ایران به مردم قیام کننده تحمیل کردند.

نکته مهم اینجاست!! اسلامیها و آخوند ها توانستند با تاکتیک و هوشیاری تمام مساجد در سراسر ایران را به محل سازماندهی جریانهای حامی خود و حتی مردم عادی قیام کنندگان تبدیل کنند. در این مساجد اخوندهای فریبکار و تازه به دوران رسیده پشت منبر برای خمینی و حکومت اسلامیشان تبلیغ و وعده وعید پوچ به مردم میدادند. آخوندها با حمایت امثال مجاهد و فدائیان اکثریت و حزب توده و دیگر روشنفکران "ضد امپریالیست" توانستند از مسجد، این لانه فساد و جهالت، یک مکان "انقلابی" بر پا کرده، که گویا اینجا خانه خدا است و از ما حفاظت میکند. گویا اینکه این مکان به اصطلاح مقدس مورد هجوم ارتش قرار نمیگیرد و یا اگر در این خانه خدا کشته بشوید مستقیم بدون دست انداز به بهشت میروید. در این مساجد بود که جریان حاشیه ای آنزمان اسلامی ها تانستنت فریبکاران و با زرنگی بهترین استفاده ها را بکنند. در آنجا به مرکزی برای سازماندهی خود، و شکل دادن به جریان اسلامی از جمله، کمیته ها و شورهای اسلامی و پهن کردن بساط نماز خواندن، دعای کمیل، فتوا، و کم کم به مرکز صادر کردن حکم اعدام کردن و تبلیغ حجاب که گویا هدیه امام است به زنان شجاع مسلمان ایرانی تقدیم کرده است.

ادامه صفحه ۸

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

چند خبر و گزارش کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

عزیز آجیکند



ماه حقوق معوقه شدیم و کماکان وعده و وعیدهای مسئولان ادامه دارد. در این اطلاعیه به مسائلی چون مشکلات معیشتی، مشکلات تولید و عدم امنیت شغلی که از دیگر نگرانی های این کارگران است، اشاره شده است.

تجمع اعتراضی رانندگان تاکسی در مریوان

روز سه شنبه اول آبانماه، جمعی از رانندگان تاکسی مقابل شهرداری مریوان در اعتراض به وضعیت معیشتی خود تجمع کردند. بر پایه این گزارش رانندگان تاکسی در اعتراض به پائین بودن کرایه ها و همچنین وضعیت معیشتی خود، گرانی و افزایش هزینه ها یدکی خودرو تجمع کردند.

اعتصاب داروخانه ها در مهاباد

روز سه شنبه یکم آبانماه اعتصاب داروخانه های شهر مهاباد در اعتراض به گرانی و هزینه های سنگین، برای چهارمین روز متوالی ادامه یافت. داروخانه های سطح شهر مهاباد از مورخه ۲۸ مهرماه "به مدت چهار روز" نسبت به آنچه شرایط سخت و ناعادلانه ایجاد شده توسط توزیع کنندگان و تولید کنندگان دارو، و همچنین فشار مضاعف و عیدیه ای که بر داروخانه ها وارد میشود" دست به اعتصاب زدند. گفتنی است که شهروندان در دیگر شهرهای کردستان نیز از جمله "بوکان" با کمبود دارو در مراکز درمانی مواجه هستند و جهت تهیه دارو به استانهای دیگر مراجعه می کنند.

یازدهمین روز از اعتراضات کارگران رنگین نخ سمنان

صبح روز پنجشنبه ۳ آبان کارگران کارخانه «رنگین نخ» سمنان برای چندمین بار در مقابل ساختمان استانداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع از ساعت ۸ صبح آغاز شد و حدود ۲۵ نفر از کارگران در آن شرکت داشتند. این یازدهمین باری است که کارخانه «رنگین نخ» سمنان دست به تجمع اعتراضی می زند. ۵۰ کارگر رسمی و ۱۸۰ کارگر غیررسمی این کارخانه از سال ۹۲ که این شرکت منحل شد در انتظار دریافت حق سنوات و مطالبات مزدی خود هستند و می خواهند مسئولان وضعیت آن ها را روشن کنند. به گفته کارگران، نه استانداری و نه دیگر مراجع رسمی استان، هیچ کدام پاسخ قانع کننده ای به آن ها نداده اند.

جانباختن یک کولبر و زخمی شدن کولبری دیگر در تیراندازی

نیروهای مرزبانی ایران در مناطق مرزی سلماس

دو کولبر در مناطق مرزی سلماس هدف گلوله مستقیم نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند که به دنبال این حادثه یک نفر از آنان کشته و دیگری زخمی شده است. این حادثه روز سه شنبه اول آبان ۹۷ در حالی رخ داده که گروهی از کولبران در منطقه مرزی شپبران از توابع شهرستان سلماس مورد هجوم نیروهای مرزبانی قرار گرفته اند. رسانه های محلی کولبر جانباخته در این حادثه را فرامرز جلی باقو معرفی کرده اند. او ۲۶ سال داشته است. کولبر دیگری هم به نام ذاکری جلی باقو، ۳۰ ساله، در این حادثه به شدت زخمی شده است. او برای رسیدگی پزشکی به بیمارستانی در شهر سلماس منتقل شده و وضعیت عمومی اش وخیم

ادامه

با گذشت دو ماه از پایان آخرین اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و عدم تحقق عملی خواسته های آنها، برای بار دیگر و در روز دوشنبه ۳۰ مهرماه، اعتراضات در این مجتمع بزرگ کشت و صنعت از سر گرفته شد. کارگران این مجتمع خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه، توقف تکه پاره کردن شرکت، پرداخت همه مطالبات معوقه از سال ۹۴ تا ۹۶، قراردادی شدن کلیه پرسنل بر اساس قوانین، پرداخت ۸ ماه پول بن معوقه و پاداش سه سال بهره برداری، افزایش بدی آب هوا و حق همسر و حق ایاب و ذهاب و حق مسکن، پرداخت کلیه معوقات سه سال اعم از لوازم التحریر و لباس کار، پرداخت حق بیمه سابقه کارکنان و سنوات و برگزاری آزادانه مجمع عمومی سندیکا و رسمیت فعالیتهای آن، هستند.

همچنین بعد از پایان گرفتن دوره موفقیت آمیز سومین دور از اعتصابات قدرتمند و سراسری رانندگان کامیون که ۲۲ روز پیاپی ادامه داشت و نظام جمهوری اسلامی را در به چالش کشاند و ۲۶۲ نفر از آنها بازداشت و ۱۷ نفرشان نیز به اعدام تهدید شدند، قرار بر این است که موج چهارم این اعتصابات سراسری برای آزادی دستگیر شدگان در روز دهم آبان با شعار "ما همه باهم هستیم، یکی برای همه، همه برای یکی" دوباره از سر گرفته شود. در ادامه دور جدید اعتصابات بخشهای مختلف کارگری در ایران روز پنجشنبه ۱۹ مهرماه نانوایان تبریز نیز دست به اعتصاب زدند و به دنبال آن فراخوان اعتصاب سراسری نانوایان کشور در روزهای سه شنبه و چهارشنبه این هفته در اعتراض به افزایش هزینه آب، برق و گاز هم رقم خورد و فضای دیگری از اعتراضات توده ای فراهم و بدین ترتیب متولد شد. از طرفی دیگر هم فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان به اعتصاب سراسری روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه با استقبال بخشهای مختلف فرهنگیان در جامعه ایران روبرو شد و در دو روز و با شعار اتحاد رمز پیروزیست، فضای اعتراضی جامعه ایران را تحت شعاع خود قرار داد و خشم و نفرت خود را از وضع موجود در یک حرکت هماهنگ شده و نمادین به نمایش گذاشت.

حال با توضیحاتی که در بالا داده شد با هم نگاهی دیگر می اندازیم به اعم مهمترین اخبار و گزارشاتی که در طول هفته در گوشه و کنار ایران رخ داده اند:

۲۰۰ تن از کارگران زحمتکش کارخانه برفاب اخراج میشوند

کارفرمای کارخانه "برفاب" چهارمحال و بختیاری به بهانه های مختلف ۲۰۰ تن از کارگران شاغل در این کارخانه را اخراج کرد. به گفته کارگران اخراجی، کارفرما به بهانه نبود مواد اولیه و اوضاع بد اقتصادی آنها را بدون پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی و چندین ماه دستمزد معوقه از کار بیکار نموده است. گفتنی است که هر سال کارفرما شماری از کارگران را اخراج میکند و شکایت های آنها به اداره کار بی پاسخ مانده است.

به تعویق افتادن مطالبات مزدی در دو واحد کارگری اهواز

کارگران معترض شرکت "ول سرویس ایران" عنوان کرده اند که، پرسنل این شرکت، هفت ماه دستمزد، عیدی، پاداش و حق بیمه خود را دریافت نکرده اند و خانواده هایشان در وضعیت بد معیشتی به سر می برند. در خیر دیگری نیز کارگران "گروه ملی فولاد اهواز"، با انتشار اطلاعیه ای به مشکلات معیشتی خود اشاره و خواستار رفع این مشکلات شدند. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: "باز هم وارد سه

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

چند و خیر گزارش کارگری و....

گزارش می‌شود. از روز ۲۳ مهر که معاون سیاسی و امنیتی وزارت کشور کولبری را معادل قاچاقچی‌گری قرار داد، فشارها بر کولبران افزایش یافته تا جایی که در یک ماه گذشته تعداد زیادی از کولبران زحمتکش کشته و مجروح و بازداشت شده‌اند. ایران ۷۵ هزار کولبر دارد که ۲۰ هزار نفرشان در سردشت و پیرانشهر ساکنند. بر اساس گزارش سالانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در سال ۱۳۹۶، قتل ۴۶ کولبر گزارش شده و ۵۸ نفر هم (عمدتاً در مناطق کردنشین) به دست نیروهای مرزبانی و انتظامی زخمی شده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران راه آهن هرمزگان

کارگران راه آهن هرمزگان با برپایی تجمع در محل راه آهن و سردادن شعارهای اعتراضی خواستار دریافت دستمزدهای معوقه و سایر سنوات خود شدند. به گفته معترضان، پیمانکار تاکنون دستمزد ماههای تیر، شهریور و مهر ماه سالجاری را به آنان پرداخت نکرده است. آنها می‌گویند علاوه بر دستمزد معوقه تاکنون سنوات ۶ سال گذشته نیز به کارگران پرداخت نشده است.

تجمع کارگران سد چمشیر گچساران

بیش از ۵۰۰ تن از کارگران سدچمشیر گچساران برای چندمین بار در اعتراض به محقق نشدن وعده‌ها و عدم پرداخت ۱۰ ماه دستمزد معوقه خود، در محوطه کارگاه این پروژه تجمع کردند. معترضان با در دست داشتن دست نوشته‌هایی خواستار دریافت کلیه مطالبات معوقه خود شدند. آنها اعلام کرده‌اند در صورت بی‌توجهی کارفرما به خواسته‌هایشان دست به اعتصاب و تجمع گسترده خواهند زد.

در میان خبرها

مأموران امنیتی برای دومین سال پیاپی از برگزاری مراسم یادبود علی اشرف درویشیان، نویسنده فقید ایرانی جلوگیری کردند: این بار به بهانه سوءاستفاده مخالفان نظام. علی اشرف درویشیان، نویسنده عدالت‌خواه، پژوهشگر ادبیات کودکان و یکی از اعضای دیرین کانون نویسندگان ایران پنجشنبه ۴ آبان ۹۶، بعد از یک دوره طولانی بیماری در ۷۶ سالگی چشم بر جهان فروبست.

وقوع درگیری خونین در زندان رجایی شهر کرج

در جریان این درگیری دو زندانی به شدت مجروح شده و به بیمارستانی خارج از زندان منتقل شدند. برپایه این گزارش رئیس زندان و مدیر داخلی زندان با علم به اینکه جابجایی زندانیان باعث بروز درگیری در زندان می‌شود، هر چند وقت یکبار اقدام به این قبیل جابجایی‌ها می‌کنند. زندان رجایی شهر کرج را باید از مخوف‌ترین زندان‌های ایران دانست، این زندان که در طبقه‌بندی سازمان زندان‌ها به عنوان محل نگهداری محکومان جرایم خشن شناخته می‌شود سال‌هاست به عنوان محل تبعید زندانیان سیاسی و غیر سیاسی توسط نهادهای امنیتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اعتراض مجدد شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان به وضعیت معیشتی معلمان

شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان ایران با صدور بیانیه‌ای به وضعیت شغلی و معیشتی معلمان اعتراض کرد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با صدور بیانیه‌ای در اعتراض به وضعیت معیشتی معلمان اعلام کرد که وعده‌های پیشین برای مهرماه محقق نشده است. در این بیانیه به عدم تحقق وعده‌ها در ارتباط با بهبود وضعیت معیشتی معلمان اعتراض شده و بی‌سرانجامی طرح رتبه بندی مورد انتقاد قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در ۲۲ و ۲۳۲۳ مهرماه سالجاری در پی فراخوان سراسری فرهنگیان کشور در اعتراض به مشکلات آموزشی دانش آموزان و مشکلات معیشتی معلمان دست به تحصن زدند.

درخواست سازمان عفو بین‌الملل جهت آزادی فوری فرهاد میثمی

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای در واکنش به تحت فشار قرار دادن "فرهاد میثمی" به منظور پایان دادن به اعتصاب غذایش، از مقامات رژیم خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این فعال مدنی شده است.

اعتراض کانون نویسندگان ایران از نهادهای امنیتی

کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای با اشاره به احضار و بازداشت فعالان معترض اخیر به اقدامات سرکوب‌گرانه نهادهای امنیتی اعتراض کرد.

در حکومت اسلامی مسجد ...

اسلام عزیز قرار بگیرند. کارگرانی که کار کرده‌اند و حقوق نگرفته‌اند اگر اعتراض کنند باید طبق قانون اسلام عزیز زندانی بکشند و شلاق بخورند و یا جریمه نقدی بپردازند. اگر محرومان و کارگران به این شرایط فلاکت‌ناپذیر، گرانی بیکاری، فشار و فقر کلیه فروشی، کارت‌های خرابی، گور خرابی، اعتراض دارند، اعتصاب یا تظاهرات کنند دستگیر و سرکوب و ناپدید میشوند. اگر کسی از رهبر معظم و خدای روی سر زمین انتقاد کند و یا بگوید پشت چشم رهبر ابرو است باید هفت بار اعدامش کرد. اگر کسی بگوید چرا مسئولین فیش حقوق خود را به جامعه اعلام نمی‌کنید و یا چرا اختلاس می‌کنید بلافاصله با سربازان گمنام امام زمان دستگیر و با حکم ناعادلانه مواجه میشوند. سوال اینجاست چرا شما به مسجد چنین نظام و اسلامی می‌روید؟ چرا می‌روید و پشت سر آخوند خر گردن به صف می‌شوید؟ آیا با دست خودتان تیر به پای خودتان نمی‌زنید؟ به همه توصیه می‌کنم به مسجد نروند. این خانه ضد زن و جهالت برای شما هیچ منفعتی ندارد. شما به خودتان دروغ می‌گویید و خیانت می‌کنید. اما آخوند مفتخور شغل شریفش همین دروغ و ریا کاری است. برای نمونه در هفته دو ساعت میاید برای پیش‌نمازی در مسجد و در اثناء آن دو ساعت چرند گفتن چندین میلیون تومان پول می‌گیرید. اما شما انسانهای شرافتمند کارگر و زحمتکش شب و روز کار می‌کنید و زحمت می‌کشید و جامعه را می‌سازید هیچی هم گیرتان نمی‌آید و همین دولت آخوندها و سرمایه داران ظالم حقوق و دستمزدتان را می‌زدند و در راه مساجد و سیستم آدمکشی و تروریسمشان هزینه می‌کنند. به تمام مردم زحمتکش و شرافتمند ان جامعه از پیر و جوان می‌خواهم به مسجد نروند. و این مرکز فساد و دروغ و جنایت و خرافه پروری را ترد کنند. این دکان بقالی آخوندهای دزد و فاسد را تعطیل کنید.

بجای وقت تلف کردن در مسجد و دیگر مراسمهای مذهبی و دنبال خرافات رفتن وقت با ارزش خود را به مسائل علمی و فراگیری تکنولوژی، به مطالعات کتابها و نشریات مارکسیستی و آدیحواخانه و آگاهگرانه، به رومان خواندن و گوش دادن به موسیقی، به هنر و کوهنوردی و دور هم جمع شدن، به تحکیم رفاقت و همبستگی مبارزاتی و به بجهای عزیز و خانواده و بستگانتان اختصاص دهید. دوباره توصیه می‌کنم با جدیت از این مساجد و خرافاتی که این رژیم ضد علم و آزادی و برابری و رژیم مستبد و آدمکش از آن نفع برده و میبرد جدا فاصله بگیرید.

زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری

جنگ جنایتکارانه اسلامیون شیعه و سنی در یمن و تراژدی انسانی ۱۴ میلیون قحطی

سلام زیجی



تبدیل می‌گردد، یا برعکس، با کنار زدن انقلابی کلیت این بساط اسلامی - سرمایه داری فاسد به کشوری برای شروع پایان دادن به این جنگ و جنایت و سیاهی ها و پیام آور

آزادی و برابری و امنیت و رفاه و خوشبختی برای کل شهروندان خواهد بود. اگر تحولات سیاسی ایران از جانب جمهوری اسلامی، و اپوزسیون در قالب جریانات مذهبی و یا ملی گرایان ناسیونالیست و شونیبست که همواره به دولتها و امثال ترامپ و ارتش امریکا و جنایات تحریم اقتصادی امید بسته اند، رقم بخورد، اگر این نیروهای ملی-اسلامی حامی تداوم حاکمیت سرمایه داری در ایران که بیشترشان راه سهم خواهی و به قدرت رسیدن خود را در تحقق آرزوی ارتجاعی تکرار سناریوهای عراق و سوریه و یمن و لیبی و افغانستان در ایران جستجو میکنند، بتوانند سرنوشت جامعه را رقم بزنند، تردیدی نباید داشت آینده ایران نه در جهت منافع مبارزه آزادیخواهان کارگران و زحمتکشان و صف آزادیخواهی در ایران، و نه در جهت کاهش درد و رنج مردم له شده دست ارتجاع در یمن و منطقه تمام نخواهد گردید.

پیروزی کارگر و سوسیالیسم در نبرد با جمهوری اسلامی فقط پیروزی انسانیت بر ارتجاع در جغرافیای ایران نیست! همچنانکه حاکمیت جنایتکارانه و اعمال ضد انسانی جمهوری اسلامی نیز فقط در محدوده ایران نبوده و نیست. پیروزی سوسیالیسم در ایران میتواند امید و انسانیت را در مناطق ویران شده مانند یمن و عراق و افغانستان و کل منطقه نیز به شهروندان برگرداند، و به جای حاکمیت دولتها و کانگستریسم سیاه و مسموم اسلام گرایی و ملی گرایی، حرمت و حقوق برابر شهروندی، جنبش آزادیخواهان و اراده متحد مبارزه جوی انقلابی ضد کاپیتالیستی، ضد جنایت و خرافه گری اسلامی و قومی گر و ضد قدری و جنایت و حضور نظامی امریکا در کل منطقه به تحرک و تحولات نوینی روی بیاورد. بدون تردید پیروزی ما در ایران به تغییر جدی در زندگی پر مشقت سناریو سیاهی حاکم بر منطقه به نفع سناریو سفید و زندگی آزاد و آرامتر شهروندان منجر می‌گردد.

انسانهای آزادیخواه! در قبال از بین رفتن هر روزه هموعان خودتان به دست اوباشان اسلامی و قوم پرستان و دولتها و احزاب جنایتکار آنها در یمن و در منطقه باید معترض بود و علیه مسببین آنها به میدان آمد. در دفاع از حق حیاط ۱۴ میلیون انسان که به دست دولتها و نیروهای وحشی ای گرفتار آمده اند که، حداقل هر روز ۱۴ میلیون دلار هزینه اعمال جنایتکارانه و بمب و گلوله و موشک میکنند، باید با صدای بلند اعتراض کرد. ننگ و نفرت بر تک تک عاملین این جنایت هولناک در یمن و کلیه کشورهای ویران شده دست ارتجاع اسلامی و ملی گرایان حلقه بگوش دولتهای جنایتکار و قدرتهای ارتجاعی منطقه ای و جهانی نظام ویرانگر سرمایه داری!

به دلیل تداوم جنگ جنایتکاران در یمن، مسدود کردن راههای آذوقه رسانی و به گرو گرفتن نیازمندیهای اولیه شهروندان قحطی جان ۱۴ میلیون انسان را تهدید می‌کند. بنا به "گزارش سازمان ملل" بی خاصیت همین دولتها و کلیه طرفهای درگیر خطر قحطی جان و زندگی ۱۴ میلیون انسان بی دفاع، از جمله جان کودکان ساکن کشور یمن را با مخاطره بسیار جدی روبرو ساخته است. گفته میشود که ادامه این بحران میتواند به تهدید جدی زندگی بیش از نیمی از جمعیت کشور و نابودی نسلی از کودکان تمام گردد. یعنی یک جنایت و تراژدی هولناک دیگری در سایه حاکمیت جانیان طرفدار "دمکراسی"، "حقوق بشر"، "اسلام" و با نظارت و "داوری" یک نهاد پوچ بورژوازی به اسم "سازمان ملل"، و در راستای منافع ضد انسانی سیاسی-اقتصادی و ایدئولوژیکی شان در راه است!



کشور یمن از حدود چهار سال پیش درگیر جنگ جنایتکارانه ای است که مستقیم و غیر مستقیم بانی اول آن دو دولت اسلامی- سرمایه داری دزد و فاسد خدایپرست و متعلق به دوران قرون وسطی شیعه و سنی، یعنی جمهوری اسلامی ایران و دولت عربستان سعودی، هستند. این هیولاهای وحشی لم داده بر روی دریای نفت باد آورده، برای گسترش نفوذ ارتجاعی خود و نشان دادن هرچه بیشتر مقبولیت خود به یکی از قطبهای بورژوا-امپریالیستی، و به ویژه با هدف فرار از دامنه انزجار اجتماعی علیه نظامشان در کشورهای تحت سلطه خود، دست خونین خود را به آنسوی مرزها نیز دراز کرده و اکنون بنیادهای اجتماعی و اقتصادی کشور یمن را نیز به ویرانه ی تبدیل کرده اند. زندگی میلیونها انسان، از جمله کودکان را با مرگ و قحطی مواجه کرده اند. دولتهای ارتجاعی و قدرتمند مانند امریکا و روسیه نیز در راستای کشمکش های احمقانه و بین المللی خود هر کدام افسار یکی از دولتها و جریانات این جدال خونین را در دست دارند و در این جنگ و جنایت سودهی بیشماری به جیب میزنند و پر فروشترین دوران تسلیحاتی خود را به رقابت گذاشته اند. حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی در یک سوی میدان این جنگ ضد انسانیت و تحمیل قحطی به میلیونها انسان قرار دارند و "نیروهای دولتی" یمن مورد حمایت "ائتلافی عربی" به رهبری عربستان سعودی نیز در سوی دیگر ان جنایت قرار گرفته اند.

مسئولیت پذیرترین درس عبرت گرفتن از این روند برای ماها که درگیر سرنگونی یکی از عاملین اصلی این نوع سناریوی هولناک در ایران و منطقه هستیم، فوق العاده مهم است. جامعه ایران تحت کنترل جمهوری اسلامی نیز یا به یکی از این کشورهای ویران شده

زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

در باره اعتصاب...

درست است که اگر اعتصابها بخواهند موفقیت آمیز باشند صندوق اعتصاب برای تأمین کارگران در طول اعتصاب لازم است. این صندوقهای کارگری (معمولا صندوقهای کارگران در شعبه‌های مختلف صنعت و یا در یک کارخانه) در تمام کشورها برقرارند، ولی اینجا در روسیه، این کار بخصوص اشکال دارد چون که پلیس رد آن را برمی‌دارد، پولها را ضبط میکند، کارگران را توقیف میکند. البته کارگران میتوانند از پلیس پنهان کنند، و طبیعتاً اینگونه صندوقها خیلی با ارزش هستند و ما نمیخواهیم به کارگران نصیحت کنیم که آنها را تدارک نینینند، ولی نباید تصور شود که صندوق اعتصاب تا وقتی که از لحاظ قانونی ممنوع است میتواند تعداد زیادی اعانه دهنده بخود جلب کند و تا وقتی که عضویت چنین تشکلاتی ناچیز است صندوق اعتصابات خیلی مفید واقع نخواهد شد. بعلاوه، حتی در کشورهایی که اتحادیه‌های کارگری علنا وجود دارند و مبالغ کلانی در اختیارشان است، طبقه کارگر هنوز نمیتواند مبارزه خود را به اعتصاب محدود کند. فقط لازم است یک کج و کولگی در اوضاع صنعت پیدا شود (بحران مانند آنچه دارد در روسیه نزدیک میشود) تا اینکه کارخانه‌داران، حتی بطور عمدی، ایجاد اعتصاب کنند چون به نفع آنهاست که برای مدتی کار را تعطیل کنند. و وجوه صندوق کارگران را به آخر صندوق برسانند. بنابراین کارگران تحت هیچ شرایطی نمیتوانند خود را به عملیات اعتصابی و اجتماعات اعتصابی محدود کنند. دوما اعتصابها فقط وقتی میتوانند موفقیت آمیز باشند که کارگران بتوانند وقت مناسب برای اعتصاب کردن را انتخاب کنند، وقتی که میدانند چگونه تقاضاهای خود را مطرح کنند، و وقتی که با سوسیالیستها تماس دارند و میتوانند توسط آنها اعلامیه و جزوات به دست بیاورند. هنوز تعداد چنین کارگران در روسیه خیلی کم است و هر کوششی برای زیاد کردن تعداد چنین کارگرانی، برای شناساندن آرمان طبقه کارگر به توده‌های کارگر و آشنا کردن آنان با سوسیالیسم و مبارزه طبقه کارگر باید به عمل آورده شود. این وظیفه‌ای است که سوسیالیستها و کارگران آگاه باید انجام آن را مشترکاً و با تشکیل دادن حزب سوسیالیستی طبقه کارگر به این منظور به عهده بگیرند. سوما اعتصابها همانطور که دیدیم به کارگران تمام کشورها آموخته‌اند که برای حقوق کارگران و حقوق مردم بطور کل، بر علیه دولت مبارزه کنند. همانطور که گفتیم فقط یک حزب سوسیالیستی طبقه کارگر میتواند این مبارزه را با شایع کردن مفاهیم صحیحی از دولت و آرمان طبقه کارگر انجام دهد. در فرصت دیگری اختصاصاً راجع به این که چگونه اعتصابها در روسیه رهبری میشوند و چگونه کارگران آگاه باید از آن استفاده کنند بحث خواهیم کرد. اینجا فقط لازم است اشاره کنیم که اعتصابها، همانطور که گفتیم "یک مکتب جنگ" هستند و نه خود جنگ و اعتصابها فقط یک وسیله مبارزه و فقط یک جنبه جنبش طبقه کارگر هستند. کارگران باید از اعتصابهای تک افتاده فراتر رفته، همانطور که عملاً در تمام کشورها دارند میروند، و به مبارزهای برای تمام کسانی که زحمت میکشند بپیوندند. وقتی که تمام کارگران آگاه سوسیالیست شوند، یعنی وقتی که آنها برای این آزادی مبارزه کنند، هنگامی که آنها در سراسر کشور برای انتشار سوسیالیسم در میان کارگران و آموختن تمام روشهای مبارزه علیه دشمنان متحد شوند، وقتی که آنها یک حزب سوسیالیستی کارگری بنا کنند که برای آزادی کل مردم از ستم دولت و آزادی تمام کارگران از زیر یوغ سرمایه مبارزه میکند - فقط آنوقت طبقه کارگر جزء اساسی از آن جنبش عظیم کارگری تمام کشورها، که تمام کارگران را متحد میکند و پرچم سرخ که بر آن این کلمات نوشته شده را میافرازد خواهد شد: "کارگران تمام کشورها متحد شوید"

نشریه شنبه‌ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنايتكار اسلامي کمک فوری
خواهد کرد.



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۱۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیت‌اند علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهب‌پیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشانش، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میادین شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخراج و بیکارسازی موقوف!